

## خطای هاتورن در توسعه یافتگی فرهنگی

نویسنده: دکتر محمدرضا بهرنگی

### چکیده

در اغلب برنامه‌ها و نظراتی که درباره توسعه فرهنگی مطرح است خطاهایی از نوع خطای هاتورن مشاهده می‌شود. بنابراین در این مقاله:

- ۱- مفهوم خطای هاتورن روشن می‌شود.
- ۲- تفاوت بین متغیر اصلی و مستقل با متغیرهای جانبی در توسعه یافتگی فرهنگی بیان می‌شود.
- ۳- شاخص‌هایی که با آن بتوان توسعه یافتگی فرهنگی را نشان داد تعیین می‌شود.
- ۴- شکل ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان وسیله توسعه فرهنگی ترسیم می‌شود.
- ۵- وظایف دولت در پشتیبانی و فراهم آوردن موجبات توسعه فرهنگی بیان می‌شود.
- ۶- ارزش‌های زمینه‌ساز اسلامی در تقویت منطق توسعه فرهنگی نقل می‌شود.
- ۷- و سرانجام الگوهای مناسب آموزشی به عنوان گذرگاه نظر به عمل معرفی می‌شود.

یافتگی فرهنگی (C) وابسته به متغیر مشاهده شده (A) است در حالی که در حقیقت متغیر (C) وابسته به متغیر اصلی (B) است ولی به لحاظ مخفی ماندن متغیر B در همجواری با متغیر غیراصلی A این خطا رخ می‌دهد. مسلماً نظریه پردازی برچنین استنتاج غلطی و ایجاد تغییر براساس آن موجب می‌شود تا نتایجی برخلاف انتظار و سرانجام خسارات انسانی

«خطای هاتورن» نوعی اشتباه در برداشت فکری و استدلالی محقق است که به عوامل جانبی متغیر اصلی به عنوان علت واقعی یک پدیده توجه دارد و بر این اساس رابطه‌ای در بین دو متغیر مشاهده شده برقرار می‌کند که در واقع وجود ندارد و این رابطه را رابطه علت و معلولی می‌پندارد. به طور مثال محقق ممکن است تصور کند توسعه

و اقتصادی فراوانی به وجود آید.

عامل اساسی در تغییرات و توسعه فرهنگی (عامل B) قدرت و مهارت تفکر و تعقل است که در ارتباط بین دو دسته صفات ویژه جوامع معروف به توسعه یافته و تغییر و رشد صفات جوامع به اصطلاح توسعه نیافته (عامل C) کمتر مورد ملاحظه قرار گرفته است. همه مکاتب فلسفی چون ایده آلیسم، رئالیسم، واقعگرایی مذهبی (نئوتومیسیم)، ساختارگرایی، تجدید بنای ساختاری، اگزستانسیالیسم و تجربه گرایی برای تداوم بقا و انتقال حقایق می کوشند. حقایق ممکن است به صورت میراث فرهنگی حاصل از اکتشافات عملی خود بشر به دست آمده و یا توسط پیامبران و رسولان به بشر رسیده باشد، ولی نکته اساسی و مورد توجه در این مقاله نحوه استفاده از آنها در جریان رشد تفکرات انسانی است. عامل B همان چیزی است که مکتب انسان ساز اسلامی بر آن تأکید می ورزد و می فرماید: «خداوند تغییر در هیچ قومی را به وجود نمی آورد مگر آن قوم آمادگی تغییر در فکر خود را به دست آورده باشند». شارع مقدس باز می فرماید: «حقایق باید با تفکر انسان به دست آید و در قلمرو آگاهی او قرار گیرد» برای کسب تجارب بشری باید به چین رفت» «از کودکی تا مرگ باید اندیشیدن نیروی محرکه فرد در برخورد با موقعیت های مسئله دار باشد و راه زندگی و هدایت بخش حیات او قرار گیرد». «فرد مسؤول عواقب انتخاب خود است»، «علمی که فقط بر سر زبان متوقف ماند پایین ترین علم است و عالی ترین

علم آن است که در جوارح و ارکان وجود شخص سرشته شده باشد»، و «یک ساعت تفکر از ۷۰ سال عبادت بهتر است» و ...

همه این رهنمودها به درستی همان متغیر اصلی (عامل B) را در توسعه فرهنگی در نظر دارند. بی توجهی به آن ما را با خطای هاتورن در توسعه فرهنگی مواجه می کند. اینکه میزان همسازی صفات جامعه خود را با صفات شاخص و رایج فرهنگی، درجه پیشرفت بدانیم در حالی که پیشرفت تعقل و تفکر در فرهنگ اسلامی مورد تأکید است، نه تقلید کورکورانه از شاخص های توسعه یافتگی و صفات کلی قابل مشاهده، این خود نشانگر چنین خطایی است.

بنابراین رشد و نمو همه جانبه انسان با ابعاد گوناگون ضرورت دارد تا او بتواند در موقعیت های پیچیده و مسئله دار مهارت ایجاد ارتباطات مناسب بین آموخته های خود و گزینش نوع ارتباط مناسب از میان تجارب خود برای برخورد متناسب با نوع مسئله و موقعیت های پیچیده را داشته باشد و بتواند هزاران رابطه دیگر موجود را شناخته و بهترین انتخاب را به عمل آورد و با این انتخاب و اجرای این راه حل بتواند نتایج اقدام خود را برای تقویت تفکر خود در تمام طول زندگی مورد استفاده قرار دهد.

### سابقه پیدایش خطای هاتورن

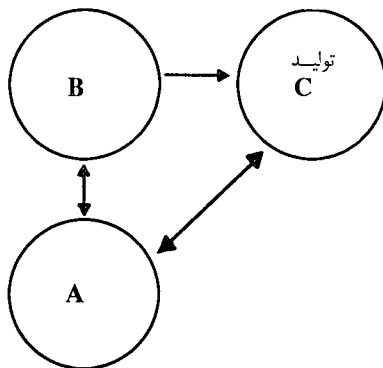
پس از چاپ و انتشار کتاب «اصول مدیریت علمی» فریدریک وینسلوتیلور<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۱

1- Fridrich Winselow Tylor

(متغیر A) در این آزمایش متغیر اصلی در افزایش تولید (متغیر C) نبوده بلکه این متغیر B است که موجب افزایش تولید کارگران می‌شود. این متغیر که همانا توجه کارفرمایان یا محققان به کارگران در هنگام تحقیق است موجب افزایش تولید کارگران می‌شود، نه افزایش یا کاهش نور. این متغیر تا آن زمان مورد توجه صاحب‌نظران و محققان مدیریت نبود.

کشف این پدیده به آسانی انجام نشد. پس از آنکه محققان نتوانستند مشکل را حل کنند ناچار شدند از خود کارگران علت افزایش تولید را جویا شوند. آنان علت افزایش تولید را ناشی از احساس مثبت و رضایت خاطر دانستند که حضور مسؤولان در صحنه کار به وجود می‌آورد. یکی از کارگران می‌گوید که از دیدن آنها در محیط کار خوشحال است. برای او مشاهده مسؤولان در صحنه کار و توجه آنها به کارگران بی‌سابقه است. بنابراین متغیر B یا روابط انسانی مدیران با کارگران به عنوان متغیر مستقل و مؤثری در بهبود و افزایش تولید کارگران اهمیت می‌یابد و اهمیت این متغیر از آن زمان کشف می‌شود. نور یا متغیر A یک متغیر آشکار و قابل کنترل و دست‌کاری در صحنه آزمایش است ولی در واقع متغیر اصلی تولید کارگران نیست و به خطا تصور می‌شد که افزایش آن موجب افزایش تولید است. متغیر B یعنی توجه به کارگران و روحیه و احساسی که آنان از آن به دست می‌آورند متغیر اصلی در افزایش تولید محسوب می‌شود (شکل ۱).

نهضت اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل قدم‌های انجام کار، تعیین واحدهای کار، یافتن روابط علی بین متغیرهای محیطی و افزایش تولید، بررسی حرکات، وسایل و زمان لازم برای انجام واحدهای کار، جدایی برنامه‌ریزی از اجرا و نظارت مدیران بر امور اجرایی، هماهنگی بین واحدهای کار و خلاصه گمتی و مقداری ساختن کیفیت‌ها در جهان فراگیر شد. برطبق روش علمی، برای یافتن روابط علی میان متغیرهای مستقل و وابسته، آثار ناشی از هر یک از متغیرها بر تولید توسط ایجاد گروه‌های «تجربی» و «گواه» اندازه‌گیری می‌شود. نهضت «اندازه‌گیری» چنان رواج و توسعه می‌یابد که مواردی جزئی چون اندازه‌گیری مقاومت و قدمت عمر و بقای چیزهایی مانند واگس و پوشش کف اتاق کار گرفته تا موضوعات گسترده و وسیعی چون توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را در برمی‌گیرد. در ادامه این‌گونه بررسی‌های مقداری و کمی است که موضوعی شگفت‌انگیز در آزمایشگاه هاتورن در کارخانه وسترن الکتریک روی می‌دهد که حل آن به پیدایش مکتب روابط انسانی در مدیریت می‌انجامد در بررسی تأثیر نور بر تولید کارگران فرض می‌شود که افزایش نور با افزایش تولید همراه است. در تأیید این فرضیه به ظاهر منطقی در کمال شگفتی ملاحظه می‌شود کاهش نور نیز با افزایش تولید کارگران همراه است!! کاوشگری برای حل این معما توسط صاحب‌نظران و محققان جامعه‌شناس و روانشناسان صنعتی از دانشگاه هاروارد برای چندین سال ادامه می‌یابد. پس از بررسی‌های بسیار اعلام می‌شود که نور



B = متغیر اصلی ولی ناآشکار  
 A = متغیر همجوار  
 C = تولید

شکل ۱: متغیر B = احساسی و روحیه کارگران هنگامی که به آنها توجه می‌شود

متغیر A = تأثیر نور بر تولید کارگران و متغیر C = تولید

هاتورن مورد توجه نویسنده است. اکنون با توضیح خطای هاتورن از آن در بیان اشتباهات رایج در درک مفهوم توسعه یافتگی فرهنگی استفاده می‌کنیم. تمثیل نور و تمثیل تیم بسکتبال توجه را به خطای هاتورن در بررسی‌ها و شناخت متغیرهای اصلی و پنهان و متغیرهای غیر اصلی ولی آشکار در توسعه یافتگی فرهنگی جلب می‌کند. در توسعه فرهنگی نیز بسیاری از بررسی‌ها به متغیرهای جانبی، ظاهری و آشکار در صحنه فرهنگی و ذهن محقق و نه به متغیرهای بنیادی و اصلی مؤثر در آن اشاره دارند. سازمان‌های جهانی از جمله سازمان جهانی تربیتی، علمی، فرهنگی و ارتباطی وابسته به سازمان ملل متحد (یونسکو) در کنفرانس‌های عمومی خود اغلب به توصیه تغییر در ظواهر عناصر فرهنگی کشورهای عضو بسنده می‌کند. بسیاری از رجال و شخصیت‌های تاریخی ایران تحت تأثیر ظواهر فرهنگی غرب و بدون

برای روشن‌تر شدن بیان مفهوم خطای هاتورن تصور کنید با روش تحقیق پیمایشی تأثیر متغیرهای مختلف در برنده شدن تیم‌های برنده در مسابقات بسکتبال توسط مربی محقق تیم سنجیده شده است. این مربی نتیجه می‌گیرد دفعات برنده شدن تیم بسکتبال همیشه به مقدار پارچه مصرفی لباس‌های ورزشی بازیکنان بستگی دارد. او با کشف این نتیجه دست به تحقیق تجربی می‌زند و از همه بازیکنان تیم می‌خواهد تا با لباس‌هایی گشاد برتن در صحنه رقابت حاضر شوند. این مربی نیز از آن دسته محققانی است که به‌طور فلسفی به تحقیقات تجربی نمی‌اندیشند. شکست تیم او رد فرضیه او را نشان می‌دهد. او باید بازیکنان قد بلندتری را به صحنه مسابقه بسکتبال می‌آورد تا پارچه مصرفی آنان زیادتر می‌شد. صرفاً افزون بر لباس آنان! نمی‌تواند به‌طور منطقی عامل برنده شدن تیم محسوب شود. چنین خطایی همان خطای

در همه جا میل دارند راحت و آسوده زندگی کنند، می‌خواهند از لباس‌های بهتر، غذای کافی و تفریحات بیشتر برخوردار باشند. از صدسال پیش تا کنون تغییرات در همه جنبه‌های زندگی اعجاب برانگیز بوده است. درصد سال پیش نه رادیو وجود داشت و نه تلویزیون، نه موشک بود و نه جنگ ستاره‌ها، لیزر، کامپیوتر، ابررسانه، پست تصویری، پرواز به کرات، هواپیما، پیوند اعضا و اندام بدن، سونوگرافی، جراحی لیزری، واکسیناسیون عمومی و هزاران پدیده علمی امروزی. اینها از پدیده‌های قرن بیستم بوده و مردم همه کشورها بدان نیاز دارند. ابرقدرت‌ها با سوءاستفاده از ضرورت منطقی و نیاز مردم کشورها به تغییر مناسب تلاش دارند تا تغییرات عناصر فرهنگی را در جهت تمایلات خود به وابسته کردن هرچه بیشتر فرهنگ‌های جوامع سوق دهند و فرهنگ پذیری یکسویه را با تقویت ملیت‌گرایی، شهرنشینی و صنعتی شدن اعمال کنند. این فرهنگ‌پذیری در تاریخ کشور ما نیز به سوی صفات ویژه فرهنگ‌های مهاجم و بیگانه چه مناسب یا نامناسب، منطقی یا غیرمنطقی با صفات ویژه فرهنگ‌های مهاجم خو گرفته است.

کلاسون و رایس (۳) صفات ویژه‌ای را درباره این خوپذیری معرفی می‌کنند که با اقتباس از آن می‌توان صفات شاخصی برای بررسی نحوه

اینکه ریشه و علل پیشرفت کشورهای غربی را دریافته باشند به تقلید از غرب در جهت تغییر و جایگزینی عناصر فرهنگی کوشیده‌اند. آنان در نظرات خود نسبت به توسعه یافتگی فرهنگی مرتکب خطای هاتورن بوده‌اند. حاصل تماس حکومت‌های ایران با دول خارجی انگلیس، فرانسه، و آمریکا و نوآوری‌های حاصل از آن به‌طور عمده موجب تغییرات و تحولات یکسویه و تحمیل شده از سوی فرهنگ غرب بوده است. شهرها به‌خصوص تحت تأثیر عوامل ظاهری به اصطلاح مدرنیزه کردن امور بیشتر به سوی فرهنگ‌پذیری از آنها پیش‌رفتند.

سیاست‌های تحمیلی برای رونق فرهنگ‌پذیری دلایل ظاهراً منطقی و مردم‌پسندانه‌ای را رواج می‌دهد. چرا مردم با ملاحظه پیشرفت کشورها در جهت رفاه بیشتر و تغییر در روال زندگی خود تلاش نکنند؟ هنگامی که ماشین سرعت بیشتری به کارها می‌بخشد و کارایی را بالا می‌برد و در وقت صرفه‌جویی می‌کند چرا مردم باید از ابزار ساده‌دستی برای انجام امور استفاده کنند؟ اگر با یخچال برقی می‌توان گوشت را برای مصرف چندماه نگهداشت چرا آن را باید به‌صورت «قورمه» برای مصرف طولانی درآورد؟ اگر به مردم پابرهنه یک جفت کفش بدهید آیا آنان می‌خواهند با پای برهنه راه بروند؟ مردم همیشه و

صفات شاخص و کلی برای سنجش میزان تغییر عناصر فرهنگی:	صفات ویژه جامعه ایرانی پیش از هجوم صنعتی:	جانشین شده یا تغییر یافته با:
سازمان اجتماعی	تشکیلات ملوک الطوایفی عشایری، محلی	حکومت ملی
خانواده	وسیع، چند همسری	کوچک، یکسانی
کودک	بسیار	کم
لباس	ساده و کم‌تواره	کت و شلوار، پیراهن یقه‌آرو، لباس‌های بریده و اندازه شده و اطودار
مسکن	خانه‌های خشت و گلی چند اتاقه و چند خانواری با آشینخانه مشترک، بدون آب لوله کشی و برق	مسکن مدرن شهری، با آب و برق و حمام، آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی
محیط زندگی نحوه اقامت	دشت و صحرا و طبیعت تجمعی و مرکب از خانوارهای کوچک و خویشاوند و طایفه‌ای کشاورزی و گله‌داری	پارک‌های مصنوعی و تفریح‌گاه‌ها، شهرک‌ها، شهرنشینی
نحوه معیشت ابزار کشاورزی کار	کشاورزی و گله‌داری بیل، خیش که به وسیله گاو کشیده می‌شود برای خود و یا برای مبادله	وجود صنایع کشاورزی و صدور فرآورده‌های آن تراکتور و ماشین‌های کشاورزی در استخدام و روزمزدی
نیروی کار صنعت	انسان و حیوان ابزار و صنایع دستی	الکتروسیته، نفت و گاز و بنزین صنایع سبک و سنگین و مونتاژی زیاد
کالای مادی و ذخیره‌ای سیستم مبادلات و معاملات	کم پایا پای	پول و بانک، صادرات و واردات رسمی و ملی، در مدارس، ادارات، و تجارت آموزش رسمی ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاهی
زبان آموزش	محلی و متنوع انتقال عادات، رسوم، سنت‌ها و عقاید خانوادگی و قومی	توپ، تانک، فانتوم و میراژ و موشک دکتر، پرستار و بیمارستان، کارخانه‌های تولید دارو زیاد، کاهش مرگ و میر کودکان، انتظار زندگی طولانی
دفاع درمان و دارو رشد جمعیت	تیر و کمان، شمشیر، تفنگ جادوگری، گیاهان کم، نرخ مرگ و میر کودکان بالا، انتظار از زندگی کوتاه	ماشین، قطار، هواپیما و جاده‌های آسفالت و راه آهن روزنامه، رادیو، تلویزیون، تلفن، تلگراف، کامپیوتر، پست و پست تصویری، شبکه‌های ارتباطی نوآوری بسیار و تغییرات بسیار فرهنگی
وسایط نقلیه ارتباطات	کاروان، اسب و الاغ و شتر، جاده‌های خاکی چاپار، پیک، طبل و کبوتر	
پایداری فرهنگی	فرهنگ با پایداری بسیار، نوآوری کم	

شکل ۲: تصویری از صفات شاخص و کلی برای سنجش توسعه یافتگی و میزان تأثیرات فرهنگی

در جهت حصول به آن. متغیر اصلی در واقع رشد تعقل مردم جامعه است که تغییرات

فرهنگی بدون توجه بدان تقلیدی و یکسویه خواهد ماند.

تغییرات عناصر فرهنگی کشورها مشاهده کرد این صفات شاخص در شکل ۲ آمده است.

در جهان امروز نمی‌توان با رفتاری ناسازگارانه با بسیاری از این تغییرات برخورد کرد. آیا می‌توان بدون قوانینی فیزیکی سیل ویرانگر را سد نمود و آن را برخلاف سرشت خود در بلندیها نگه‌داشت و از آن برق و منابع کشاورزی و حیات انسان به‌وجود آورد؟ امروز نباید بدون مهارت نقد و بررسی، کشف اصول و مبادی برای کاربرد صحیح این تغییرات دست به تقلید کورکورانه از ظواهر فرهنگی کشورهای توسعه یافته زد و در برابر هجوم صنعتی آنان، بی‌اراده عمل کرد. اگر تغییرات در عناصر فرهنگی صرفاً به تقلید از ظواهر فرهنگی این کشورها باشد و نه براساس زمینه‌های فرهنگی این به معنای پذیرش تغییر به‌خاطر تغییر و روی دادن خطای هاتورن است.

بنابراین باید در شاخص تعیین میزان توسعه یافتگی و پیشرفت کشورها براساس اینگونه صفات ظاهری تجدید نظر شود و شاخص‌های دیگری از جوانب و دیدگاه‌های مختلف درباره تغییر در عناصر فرهنگی و تعمق در خاصه‌های آن مورد بررسی قرار گیرد. باید ملاحظه کرد که کدام‌یک از کشورها برحسب صفات شاخص و کلی توسعه یافتگی به بالاترین درجه رسیداند. توسعه کدامیک از این کشورها مرهون توجه به زمینه‌ها، تلاش و در جریان توسعه قرار داشتن مردم خود آن کشورها است؟ کدامیک از این کشورها واجد درجه بالایی از صفات کشورهای توسعه یافته هستند ولی تغییر و تحولات آنها در جریان تلاش مستمر و درونی و

فکری مردم آنها نبوده است؟ و کدامیک از این کشورها تحت تأثیر و تحمیل فشار و نفوذ ابرقدرت‌ها دست به تغییر فرهنگی زده‌اند؟ و کدامیک از آنها ناشی از ثروت بادآورده با خرید مغزها و تجهیزات واجد صفات ظاهری توسعه یافتگی شده‌اند؟ برحسب این مفاهیم می‌توان به دسته‌بندی جدیدی از کشورها براساس صفات کلی توسعه یافتگی دست یافت و برای هر دسته از این کشورها عنوانی پیشنهاد کرد. اما صفت عمده که وجه تمایز هر یک از این کشورها محسوب شود همان نیرو و مهارت تعقل و اندیشیدن مردم است. این عامل که متغیر اصلی (متغیر B) توسعه یافتگی است خود معیار و شاخص مهمی جهت متمایز ساختن کشورها از یکدیگر است. مردم هر کشوری که بیشتر از قدرت تعقل و تفکر برخوردار بوده‌اند (عامل B) بیشتر توانسته‌اند به صفات شاخص و معیارهای کلی توسعه یافتگی (عامل C) نزدیک شوند. بنابراین می‌توان استنتاج کرد که کوتاه‌ترین راه توسعه مجهز شدن به قدرت و مهارت‌های درست اندیشیدن و تعقل است.

کشورها برای توسعه تفکر و تعقل، به توسعه برنامه‌های آموزشی در برخورد با تغییرات و مسائل جامعه خود نیاز دارند. کمبود آموزش مناسب در تفکر و تعقل جامعه باعث می‌شود که فرهنگ آن جامعه بافتی شکننده و آسیب‌پذیر پیدا کند. امروز هر کشوری که دارای مردم معقول، متفکر و منتقد منطقی باشد، قدرتمند است. کشورهایی که توسعه واقعی یافته‌اند مردم خود را برای ایجاد تحولات و تغییرات آموزش داده و آماده ساخته‌اند، به تشریح

مهاجم سوق داده است.

بنابراین عامل اساسی یا عامل B همان رشد عقلی جامعه در تحولات و توسعه فرهنگی است و صفات و ظواهر فرهنگی در وضع موجود (عامل A) را نباید به خطا، عامل اصلی توسعه فرهنگی قلمداد کرد.

**قانون اساسی ما رشد ابعاد انسانی و تشکیلات مناسب برای رشد تفکر و انسان کامل را در نظر گرفته است.**

اهداف آرمانی جمهوری اسلامی ایران مطابق با اصل دوم قانون اساسی در جهت تحقق ارزش‌های والای فرهنگی و رشد جامعه و انسان بر مبنای توحید، وحی، معاد، عدل، امامت و کرامت انسان بنا شده است و طبق اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف گردیده است برای رسیدن به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با تمام مظاهر فساد و تباهی

۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعلیم آموزش عالی

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق

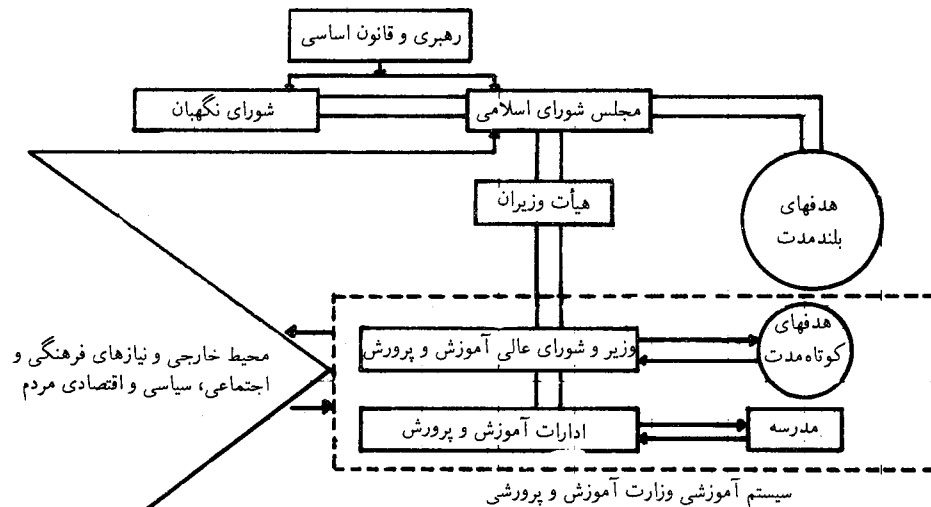
مساعی خوی گرفته‌اند. در امور مهم مشارکت یافته‌اند، در آنان حس مسئولیت‌پذیری و درگیر شدن با زمینه‌های مبهم بدون در نظر گرفتن یا اولویت دادن به منافع شخصی به وجود آمده است، و به آنان مهارت اندیشیدن و تعقل در مسائل را آموخته‌اند. کشورهایی با چنین مردمی می‌توانند برای ادامه روند پیشرفت خود در رشد و توسعه فرهنگی زمینه‌های لازم را داشته باشند.

در مقابل، کشورهای هستند که از صفات مناسب فرهنگی برخوردار نیستند. مردم این کشورها به تقلید دست به تغییر زده‌اند، یا برحسب تحمیل نفوذ و وابستگی به شکل موتتاژی عمل کرده‌اند و بدون اندیشه تغییرات را اجرا کرده‌اند و روال متداول را براندیشه خود حاکم ساخته‌اند، به زمینه ایجاد مسائل نیندیشیده‌اند و به جز راه موجود درباره راههای دیگر برای حل مسائل خود فکر نکرده‌اند، از راه کوشش و خطا به مسائل پرداخته‌اند، و حالت‌های ضمنی و معانی پنهانی پدیده‌ها و ربط تغییرات به زمان و مکان و دامنه وسیع تاریخی و آرمانی را در نظر نیاورده‌اند و یا با تعصب جاهلانه به جانبداری بی‌منطق از امور متداول پرداخته‌اند و در برابر تغییرات ضروری مقاومت کرده‌اند و یا هیجانات خود را جایگزین تفکر فعال نموده‌اند و از شکیبایی تفکرات نظری و تحمل آرا و افکار دیگران برخوردار نبوده‌اند و به عمق و کنه موضوع‌ها نپرداخته‌اند. همه این صفات مانع رشد و توسعه یافتگی فرهنگ‌های این جوامع است و در مجموع آنها را به سوی وابستگی و پذیرش بدون چون و چرای صفات فرهنگ‌های



تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور  
 ۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هرنوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه  
 ۱۳- تأمین خودکفایی در علوم، فنون، صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها  
 ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون  
 ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم  
 ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلامی، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان

تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان  
 ۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب  
 ۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی  
 ۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون  
 ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش  
 ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی  
 ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری  
 ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و



شکل ۳: پارامترها و متغیرهای موجود در سیستم آموزشی وزارت آموزش و پرورش<sup>۲</sup>

۲- پارامترها (عناصر هر یک از زیر سیستم‌های تحت نظارت دولت از جمله وزارت آموزش و پرورش) و متغیرها (عناصر درون یک زیر سیستم که در اینجا زیر سیستم آموزشی وزارت آموزش و پرورش است) آمده است. این شکل از صفحه ۲۹۱ کتاب مدیریت آموزشی و آموزشگاهی تألیف نویسنده اخذ شده است.

قانون اساسی نه تنها هدفهای تعلیم و تربیت برای رشد همه جانبه یک انسان کامل را بیان کرده است، بلکه اموری را که باید دولت برای تحقق آن هدفها انجام دهد، ذکر کرده است. از آنجا که برای رشد همه جانبه تعقل و تفکر مردم جامعه به تشکیلات سازمانی نیاز است، شکل ۳ بر طبق مفاد قانون اساسی به ویژه اصل هفتم و سی و هشتم درباره اعمال قوه مقننه و صلاحیت و اختیارات مجلس شورای اسلامی، اصل نود و سوم، در مورد اعتبار قانونی مجلس و شورای نگهبان، و اصل یکصد و دهم درباره وظایف و اختیارات رهبر و اصل نهم درباره قوه مجریه و ریاست جمهوری و وزرا و اصل یکصد و سی و هشتم درباره اختیارات وزیران ترسیم شده و روابط درونی و بیرونی سیستم وزارت آموزش و پرورش را در کل سیستم جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد.

برای رشد و توسعه همه جانبه تعقل و تفکر مردم جامعه در این سیستم که به لحاظ هدفها، وظایف و سازمان و تشکیلات هماهنگ است، به معلمان و مربیان با صلاحیت و شایسته نیاز است. تصمیمات و تدابیر استراتژیک که در سطح اول مدیریت نظام اتخاذ می شود، تبدیل خطمشی ها و سیاست های کلی به برنامه های اجرایی که در سطح دوم مدیریت (هیأت دولت و وزرا) انجام می گیرد بدون وجود معلمان شایسته در سطح اجرا عقیم می مانند.

بنابراین با توجه به خطای هاتورن می توان نتیجه گرفت که رشد همه جانبه تفکر و تعقل مردم جامعه می تواند اساسی ترین متغیر توسعه و رشد

فرهنگی باشد. در قانون اساسی هدفها و امور مربوط به رشد و توسعه تفکر و تعقل مردم جامعه اسلامی مشخص شده است. با ترسیم ارتباط بین سطوح مدیریت نظام و اقدامات اجرایی شکل سازمان و تشکیلاتی نظام در قالب قانون اساسی و با توجه به اهمیت رشد و توسعه عقلی برای رشد و توسعه یافتگی فرهنگی و اهمیت آموزش و پرورش در رشد عقلی مردم، اکنون باید راهها و روش های آموزشی برای کسب مهارت های تفکر منطقی و اصولی مردم در برخورد با مبهمات و مسائل فرهنگی نشان داده شود. اما پیش از پرداختن به این راه و روشها لازم است درباره ارزش های زمینه ساز اسلامی در تقویت منطق توسعه فرهنگی از طریق آموزش و پرورش توضیح داده شود.

### ارزش های زمینه ساز اسلامی در تقویت منطق توسعه فرهنگی از طریق آموزش و پرورش

لازم به ذکر است که مردم کشور ما در فرهنگی زیسته اند که تأکید آن بر رشد تعقل، خرد و تفکر مردم بوده است. در کلام و سنت و سخنان معصومین علیهم السلام عبارات نغز و جالب بسیاری درباره خرد و رشد تفکر داریم، از آن جمله:

- یک ساعت تفکر بر ۷۰ سال عبادت برتر است.

- چگونگی خلقت پدیده های عالم را مشاهده کنید.

- بدترین علم آن است که بر زبان متوقف شود

پیش‌بینی سازمان و تشکیلات مناسب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای رشد تعقل و تدبیر، متأسفانه روش‌های معمول در آموزش شاگردان، با وجود ایثار و گذشت بزرگوارانهٔ مربیان و معلمان عزیز در انجام هرچه بهتر نقش و رسالت پیامبرگونهٔ خود، معرفت استفاده از روش‌های مناسب برای رشد همه جانبهٔ تفکر و تعقل شاگردان و کسب مهارت درست اندیشیدن آنان نیست و معلمان را امیدوار و از این حقیقت مطمئن نمی‌کند که تلاششان در جهت حصول به هدف‌های تعلیم و تربیت و شعائر اسلامی رقم می‌خورد. هنوز اغلب تلاش‌های آموزشی در گرو تقویت حافظه، انتقال دانش و یادسپاری است. بدون نفی اهمیت این بُعد آموزشی باید یادآوری کرد که این موضوع تنها به یکی از ابعاد آموزش و پرورش انسان کامل توجه دارد. آموزش و پرورش باید با بهبود یادگیری شاگردان در جهتی انجام گیرد که حصول به هدف‌های فرهنگی از جمله رشد جسمی، ذهنی، هنری، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، معنوی، روحی و پرورش استعدادها، قابلیت‌های فردی، شغلی، تحصیلی، حرفه‌ای و اجتماعی و توانایی زیستن در فرهنگ اسلامی تسهیل گردد.

مسأله عمده در تعلیم و تربیت تهیه و تدوین و اجرای شیوه‌ها و روش‌هایی است که ضمن آموختن مطالب درسی به شاگردان، بتواند آنان را در تحقق هدف‌های آموزش و پرورش و رشد همه‌جانبهٔ خود یاری رساند.

و برترین علم آن است که در جوارح و ارکان جای گیرد.

- کلام، سنت، عقل و اجماع راه عملی برای تصمیم‌گیری است.

- زگهواره تا گور در طلب علم باش.

- حکمت گمشدهٔ مؤمن است. پس آن را فرا گیرید اگرچه از مردم دور باشد. (نهج‌البلاغه)

- حتی تا چین هم به دنبال کسب علم باشید.

- چون خبری شنیدید آن را از روی تدبیر و اندیشه در آن دریابید نه از روی نقل لفظ آن، زیرا نقل کنندگان علم بیارند و اندیشه کنندگان در آن کم. (نهج‌البلاغه)

- هیچ دانشی مانند تفکر و پیش‌بینی نیست. (نهج‌البلاغه)

- و محققاً جن و انس بسیاری را برای جهنم واگذاریم که آنها به سوءاختیار جهنم پلیدی و اعمال زشت (عقاید فاسد) را گزیدند، چه آنان را دل‌هایی است بی ادراک و معرفت و چشم‌هایی است بی نور بصیرت و گوش‌هایی ناشنوای حقیقت. آنها مانند چهارپایان‌اند بلکه بسی گمراه‌ترند زیرا قوهٔ درک مصلحت و مفسده داشتند ولی عمل نکردند و آنها همان مردمی هستند که از خدا و قیامت و عاقبت کار خود به بازیچه (دنیا) غافل شدند. (سوره الاعراف آیه ۱۷۹).

- ننگر که می‌گوید بنگر چه می‌گوید.

- کَلِمَا حَكَمَ بِالشَّرْعِ حَكَمَ بِه الْعَقْلُ وَ كَلِمَا حَكَمَ بِه الْعَقْلُ حَكَمَ بِه الشَّرْعِ.

علی‌رغم این مستندات و ارزش‌های فرهنگی و

## الگوهای مناسب آموزشی گذرگاه نظرات درباره توسعه فرهنگی و عمل به آنان

خوشبختانه الگوهای آموزشی و تدریسی جدیدی وجود دارد که معلم با استفاده از آنها، ضمن تسهیل یادگیری مطالب درسی برای شاگردان و کاهش زحمات خود در تدریس، می‌تواند شاگردان را با برخورداری از تشریح مساعی خود آنان به مهارت خوب یادگرفتن، رشد فردی، توانایی تفکر روشن و اندیشمندانه، پذیرش مسئولیت و انجام تعهدات اجتماعی خود مجهز کند. استفاده از این الگوها در تدریس، جریانی را به وجود می‌آورد که در آن شاگردان در کنار هم می‌توانند از مهارت‌های خود برای یادگیریشان استفاده کنند. در الگوهای آموزشی مهارت‌های اجتماعی، شاگردان مهارت‌های ایجاد روابط ثمربخش‌تر با یکدیگر و افزایش و توسعه یادگیری ناشی از همکوشی را یاد می‌گیرند. همچنین یاد می‌گیرند چگونه راه زندگی خود را مبتنی بر حل مسائل به وسیله یادگیری و رفتار و عمل جمعی بیابند. شاگردان با ایفای نقش صاحب ارزش خاص یاد می‌گیرند چگونه از مهارت مفاهمه و گفتگو در بررسی ارزش‌ها و چگونگی آثار آنها بر زندگی روزمره خود و از آن برای رشد شخصیت خود که در آن هنجارهای اجتماعی و ماهیت فردی و دریافت معنا به هم می‌پیوندد استفاده کنند. شاگردان تفکر در باب خط‌مشی اجتماعی، تحلیل مسائل اجتماعی، تبیین ارزش‌ها و رفع تعارضات و درک رفتار عادلانه را می‌آموزند و برحسب سیستم مفهومی خود و شناخت تفاوت‌های فردی با

دیگران آشنا می‌شوند.

علاوه بر استفاده از الگوهای تدریسی که بر روابط اجتماعی و مناسبات انسانی در یادگیری و اشتراک مساعی تأکید دارند، تعداد دیگری از الگوها و مهارت‌های گردآوری اطلاعات، سازماندهی و مرتبط ساختن آنها بر اساس وجوه اشتراک یا تمایز آنها، کنترل اطلاعات اولیه و مفهوم سازی از آن، درک دقیق صفات ویژه هریک از طبقات و یافتن روابط علی بین آن ویژگی‌ها، استنتاج و کسب اصول و مبادی و قواعد کار، پیشگویی و استدلال منطقی و مستند برای پشتیبانی از پیشگویی را به شاگردان یاد می‌دهند. الگوی دیگر شاگردان را برای دریافت مفاهیم علمی و آموزشی از مجموعه‌ای از اطلاعات اولیه آماده می‌سازد. همچنین در الگوی دیگر از خانواده الگوهای تدریس، به شاگردان کمک می‌شود تا با استفاده از تقویت یادگیری تجارب خود به وسیله یا دیارها، برحجم دانسته‌های خود و ارتباط بین آنها بیفزایند. الگوی کاوشگری به شاگردان، دست‌اندر کار شدن و استفاده از استدلال علی در برخورد با مسائل پیچیده و استفاده از شیوه تفکر علمی برای حل آنها را می‌آموزد. برای رشد خلاقیت و نوآوری شاگردانی که بتوانند زمینه‌های باز دارنده تفکر خود را بشکنند و رشد اندیشه و تعقل را تا شناخت خداوند توسعه دهند از الگوی دیگری به نام بدیعه‌پردازی و افزایش تفکر خلاق استفاده می‌شود. توجه به مراحل قانونمند رشد

پس از بررسی نظریه‌های رفتاری به استفاده از یادگیری تسلط یاب، و آموزش مستقیم و استفاده از محرکات محیطی در تقویت رفتارهای مثبت، خودگردانی در یادگیری و استفاده از بازخور جهت تقویت تغییرات رفتاری مناسب، دست آموزی و خودآموزی از طریق همانندسازها می‌پردازد.

بنابراین، آموزش و پرورش برای رشد ابعاد انسان و رساندن او به کمال خود و رشد همه جانبه افراد جامعه نقش اساسی دارد و می‌توان سرانجام نتیجه گرفت:

۱- نباید مفهوم توسعه فرهنگی تنها به ظاهرسازی به مفهوم برگرفته از خطای هاتورن، محدود شود.

۲- متغیر اصلی در توسعه یافتگی فرهنگی میزان خردمندی و فرهیختگی مردم جامعه است.

۳- شاخص‌های امروزی تعیین میزان توسعه یافتگی فرهنگی نتایج تأثیرات میزان خردمندی و فرهیختگی مردم یک جامعه را نشان می‌دهد بنابراین باید به علت اصلی توسعه یافتگی فرهنگی که توسعه خرد و عقل مردم است، توجه داشت.

۴- شکل و یا نمودار ساختاری نظام برطبق قانون اساسی وسیله مناسبی برای توسعه فرهنگی تلقی می‌شود.

۵- دولت باید به وظایف خود چنانکه در قانون اساسی آمده است عمل کند. در این وظایف آموزش و پرورش رکن اساسی انجام انتظارات قانون اساسی است.

۶- برای آموزش باید از ارزش‌های آشنا و اصیل موجود فرهنگی در تقویت مهارت‌ها و رشد همه

عقل انسان از کودکی تا بزرگسالی که توسط دانشمندان به‌خصوص ژان پیاژه کشف شده می‌تواند موجب متناسب ساختن مطالب درسی با انگیزه‌ها و کشش فکری شاگردان و رشد علایق آنان شود. با شناخت مراحل قانونمند رشد مهارت‌های اخلاقی از کودکی تا بزرگسالی توسط کلبرگ می‌توان رفتار و عکس‌العمل رفتاری شاگردان در برابر ارزش‌های فرهنگی را در سنین مختلف پیش‌بینی و موجبات هدایت آنان را به انجام رفتارهای منطقی فراهم آورد.

در خانواده دیگری از الگوهای تدریس می‌توان با توجه به هویت فردی و پذیرش فرد به‌عنوان دارنده قوه مدرکه و مستعد انسجام فکری، محیط متناسب با توان آموزشی برای رفع نیاز و بهبود خود آگاهی و فهم او به‌وجود آورد. به کمک روش‌های مشاوره‌ای مستقیم و غیرمستقیم می‌توان هیجانات مُخَل و مزاحم تفکر تحلیلی و دریافت مفهوم را کاهش داد و با تخلیه این هیجانات موجبات خود آگاهی و پذیرش مسئولیت نشو و نمای خود و جهت دهی به یادگیری شاگردان را فراهم کرد. این الگو به معلمان برای رخته به فضای ذهنی و شناختی شاگردان و دریافت منظورها و مفاهیم درون ذهنی آنان در جهت کمک به اصلاح نگرش و شیوه یادگیری کمک می‌کند. در الگوی رشد مفاهیم فرد از خود به مهارت ایجاد روابط متقابل فرد فرهیخته با محیط و جامعه او و نحوه خدمت به آن و استفاده از مزایای آن به‌عنوان راه زندگی همراه با تحقق خویشتن توجه می‌شود و سرانجام در خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری

جانبه افراد جامعه استفاده کرد و نفوذ در زمینه‌های ناآشنا را بر پایه تحول در زمینه‌های آشنا عملی ساخت.

۷- برای اجرای این طرح و بینش کلی به شرحی که در این مقاله آمد، راه‌های عملی استفاده از الگوهای جدید آموزشی پیشنهاد شد.

با الگوهای تدریس می‌توان زمینه‌های توسعه یافتگی فرهنگی و براساس آن توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در جامعه به وجود آورد. خوشبختانه نتایج کارگاه‌های آموزشی استفاده از الگوهای جدید تدریس که هر یک در پنج روز

انجام گرفته به خوبی موفقیت آنها در توسعه همه جانبه رشد شاگردان را نشان داده است. و بنابراین توصیه می‌شود اینگونه کارگاه‌های آموزشی توسعه و برای استفاده همه مربیان و استادان در همه سطوح دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و دانشگاهی تسری یابد، آنگاه، می‌توان مطمئن بود که همه مربیان در همه دروس زمینه‌ساز توسعه فرهنگی خواهند بود. به نظر نویسنده این راه کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین راه توسعه یافتگی فرهنگی است که موفقیت آن را تضمین می‌کند.

### فهرست منابع

- ۱- تیلور، فریدریک وینسلو تیلور اصل مدیریت علمی به نقل از بهرنگی، محمدرضا در کتاب مدیریت آموزشی و آموزشگاهی کاربرد نظریه‌های مدیریت در برنامه‌ریزی و نظارت، صص ۸۱-۸۲، ۱۳۷۱ تهران، چاپ گلچین
- ۲- روث لیز برگر، ودیکسون، مدیریت و کارکنان، به نقل از مدیریت آموزشی ... صص ۱۲۲-۱۲۱
- 3- Clauson, E.V. and M.G.Rice *The changing world today Anthropology curriculum project* publication 72-1 Athens, Ga: The university of Georgia, 1972.
- ۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ مجلس شورای اسلامی
- ۵- جویس، بروس؛ ویل، مارشا، شاورز، بورلی الگوهای تدریس جلد اول و دوم خانواده الگوهای اجتماعی، پردازش اطلاعات و انفرادی، ۱۹۹۲ - ترجمه محمدرضا بهرنگی